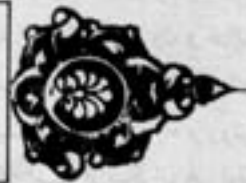


# خوش باوری و بد گمانی



## روحیه بد گمانی

بعضی از افراد اساساً روحیه بد گمانی دارند و تا راهی برای حمل کارهای دیگران بر وجه فاسد و غیر صحیح باشد، حمل بر صحت نمی کنند. اگر شخصیت‌های سیاسی و مذهبی از دولت و کارهای مسئولین اجرائی تمجید و تعریف کنند آنها حاشیه می زنند که: آری! یکی می بُزد و دیگری می دوزد! کسی از رنج مردم سخن نمی گوید! آقایان در آسایشند و از وضع جامعه بی خبر! و از این گونه سخنان. و اگر شخصیتی، مسئولین را نصیحت کند، موعظه نماید، انشقاق کنند، درد مردم را بازگو کند، درخواست رسیدگی کند، پیام دهد، در دیدارها و ملاقاتها به تناسب اوضاع سخن از ناپسندیدنیها بگوید آنها حاشیه می زنند که: اینها برای خودنمایی است! می خواهند خودشان را مطرح کنند! می خواهند مردم را قانع کنند! یکی می بُزد و دیگری فریاد می زند! اینها برای بستن زبان مردم است! همه دست در دست هم دارند! و از اینگونه یاوه سرایتها. و در رابطه با کارهای دولت نیز به هر نحوی باشد انتقاد دارند. اگر کسی دقت شود در سخنان اینگونه افراد، تناقض روشن است. هر کاری که دولت انجام دهد و هر تصمیمی بگیرد بدون شک به سود عدوئی و به زیان عده‌ای دیگر خواهد بود که تمام آنان از قشرهای همین جامعه اند. اگر آن تصمیم به سود اقشار ثروتمند یا متوسط بود فریاد و امتنعگاه از اینگونه افراد بلند می شود که دولت طرفدار سرمایه داران است! و یار مستکبران! و همیشه مستضعفان مظلومند! و از اینگونه نغمه‌ها. و اگر به سود بیچارگان و مستضعفین بود، همین اشخاص سخن از سوسیالیست! و روابط با شرق! و حزب توده! و مخالفت با اصل مالکیت! و اینگونه صحبتها به میان می آورند.

برخی دیگر روحیه خوش باوری دارند. هر ترفندی در آنها کارساز است و رأی آنان را برمی گرداند هر کدام از دو طرف نزاع که سخنی بگویند او می گوید حق با این است و چون سخن دیگری را بشنود می گوید: درست است حق با این دیگری است. اگر مسئولیتی به اینگونه افراد واگذار شود هر دزد و دغلی می تواند با

یکی از مسائلی که در جامعه دچار افراط و تفریط شده حسن ظن نسبت به افراد است. حسن ظن ناشی از سوابق انقلابی و سخت‌انتهای جالب، و این عمل به حدی به سوی افراط کشیده شده و به حدی دامنگیر همه شد که دشمنان انقلاب را به حساسترین پست‌ها حتی ریاست جمهور و عضویت در مجلس خبرگان نیز رسانید. و از جهت دیگر سوءظن ناشی از سوابق سوء که در آن جامعه پر از فساد دچار اکثر افراد شده بود، نیروهای عظیمی از افراد صالح و قابل تربیت را با شلاق گزینش از میدان فعالیت خارج ساخت. این افراط و تفریط نیز ناشی از انقلاب است. انقلاب سبب می شود که انسان عکس العمل شدیدی از خود نشان دهد نسبت به افرادی که به آن ضربه زدند یا در آن شبهه ایجاد کردند یا به آن خدمت نکردند یا به آن خوش بین نبودند یا انتقاد کردند یا به هر وسیله‌ای با آن بیانه خوبی نداشتند. و همچنین از سوی دیگر، انقلاب سبب می شود که انسان، حسن ظن زیادی احساس کند نسبت به آنان که در متن انقلاب بودند و خدمت کردند و در تظاهرات شرکت جستند یا به هر وسیله ظاهر فرینده انقلابی داشتند. و در انقلاب اسلامی ایران و بویژه پس از مرحله سوم انقلاب و طرد عوامل منحرف، حسن ظن نسبت به افرادی که ظاهر حزب‌اللهی داشتند متأسفانه بیش از حد سبب نفوذ افراد غیر صالح شد!

اعتدال در این امر برای همه افراد لازم و ضروری است و برای مسئولین، بویژه مسئولین گزینش در ادارات و نهادها امری سرنوشت ساز است. این مسئله در انجام وظیفه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز نقش مهمی دارد. زیرا خوش بینی بیش از حد نماینده ممکن است مانع انجام دادن وظایف خطیر او در مورد نظارت بر کارهای دولت باشد و از آن سو بدگمانی بیش از حد نماینده سبب جدائی و دشمنی میان او و قوه مجریه می شود و در نتیجه به تذکرات او اهمیتی داده نمی شود، و نوبت به سؤال یا استیضاح می رسد. و چون اساس آن بر بدگمانی است، کشمکش و تبادل تهمت، حیثیت هر دو نیروی سازنده و بازوی انقلاب را خدشه دار می کند.

تغییر قیافه و پرورش محاسن و پوشیدن اورکت و نقل و انتقال با دوچرخه، اعتماد او را جلب کند که حتی اگر سابقه سیاهی هم داشته باشد او را تائب و عابد و مسلمان بداند.

مناسفانه باید گفت اوائل انقلاب این خوش باوری در اکثر مسئولین ما نیز نفوذ کرده بود و به همین دلیل، نیروهای عظیم و شخصیت‌های ارزنده‌ای را از دست دادیم؛ کلاه‌ها و کشمیرها از همین راه نفوذ کردند و تا بالاترین درجات ارتقا یافتند و در محرمات‌ترین جلسات شرکت کردند! چه اسراری که از ما به دشمنان منتقل نکردند و چه ضربه‌هایی که به نهال جوان انقلاب وارد نساختند!؟

اکنون نیز نباید غافل بود و نباید کارهای کلیدی و حساس در دست اشخاصی باشد که ارتباط با افراد یا سازمانها یا انجمنهای ضد انقلاب و ضد امام داشته‌اند یا دارند حتی اگر توبه کنند و از آنها سوء نیتی دیده نشود باز هم نباید پستهای حساس به آنان واگذار شود. نباید تصور کنیم که دیگر خطر کلاهی و کشمیری از میان رفته است. ممکن است این یک نوع تاکتیک باشد و ممکن است ما را اغفال کنند و دوباره روزی فاجعه‌ای بیافرینند و ممکن است برنامه را عوض کرده باشند و بخواهند با شیوه‌های دیگر به وسیله همان عوامل نفوذی ضربه به انقلاب بزنند.

آیا این احتمال داده می‌شد که فرمانده نیروی دریایی از حزب توده باشد یا آن قیافه حزب‌اللهی که اخیراً به خود گرفته بود! واضح است که او هیچ گاه دست به کارهایی از قبیل کار کلاهی و کشمیری نمی‌زد ولی راه‌های دیگری برای پنهان داشت. البته پشت و پناه این انقلاب و این مردم خداوند بزرگ است و او است که همه توطئه‌ها را خنثی می‌کند ولی اگر ما غفلت کنیم و وظایف خود را انجام ندهیم نباید منتظر معجزه و توفیق الهی باشیم. خداوند همیشه پیغمبرش را از توطئه و کید منافقین و دشمنان برحذر می‌داشت، حتی در موقع نماز در حال جنگ می‌فرماید:

«خذوا حذرکم و اسلحتکم»

- بر حذر باشید و سلاح در دست.

### دقت در سوابق افراد

به هر حال خوش باوری برای همه مردم مضر است و برای مسئولین، خطرناک. باید خیلی دقت شود و سوابق هر فرد مورد مطالعه قرار گیرد، آنگاه پستهای حساس واگذار شود. ممکن است در واقع یک فرد منافق یا مخالف توبه کرده باشد و بخواهد خدمت کند ولی

این دلیل نمی‌شود که کارهای مهم و منصبهای حساس در دست اینگونه افراد باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر در مورد تعیین فرماندهان ارتش می‌فرماید:

«ثم الصق بذوی المروءات والاحساب و اهل البیوت الصالحه و السوابق الحسنه...»

- برای این کار افرادی را انتخاب کن که دارای جواتمردی و افتخارتند و از خانواده‌های لایق و شرافتمند و دارای سوابق نیکو هستند.

و در مورد تعیین ولات و سرپرستان امور اداری می‌فرماید:

«وتخ منھم اهل التجربه والحقاء من اهل البیوت الصالحه و القدم فی الاسلام المتقدمه...»

- برای این کار افراد کارآزموده و با حیا را بگمار که از خانواده‌های لایق و شرافتمند و دارای سوابق با ارزش در اسلام باشند.

و در مورد اشخاصی که دارای سوابق سوءند می‌فرماید:

«ان شروزرانك من كان للاشرار قبلك وزیراً و من شركهم فی الاثام فلا یكونن لك بطانة فانهم اعوان الائمة و اخوان الظلمة و انت و احد منهم خیر الخلف ممن له مثل آرائهم و نفاذهم و لیس علیہ مثل آصارهم و اوزارهم و آناهم...»

- بدترین وزیر و دستیار تو کسی است که قبل از حکومت تو وزیر و دستیار نیکوکاران و در جنابهای آنان شریک بوده است. پس آنان را دوستان علوت خویش قرار مده که آنها یاران بدکاران و برادران مستمگران بوده‌اند و در دسترس تو افرادی هستند که بهترین جایگزین آقا شدند. کسانی که مانند آنان دارای رأی و بصیرت و دقتند ولی گناه و نپاهی و جرم آنان را ندارند:

امیرالمؤمنین (ع) در این قسمت اولاً از انتخاب افراد بد سابقه منع فرمودند و ثانیاً تذکر دادند که افرادی که به جای آنان قرار می‌دهی باید از نظر رأی و سیاست، نیرومند و شایسته باشند ولی سوابق بد نداشته باشند. و هر دو مطلب برای کارگزینی و بخصوص در رده‌های بالا و مسئولیت‌های حساس نظامی و اداری بسیار دارای اهمیت است. و همچنین، حضرت در مورد نوبستگان و منشیان می‌فرماید:

«ثم لا یکن اختیارك اباهم علی فراسنك و استامنك و حسن الظن منك فان الرجال یتعرضون لفراسات الولاة ینصنهم و حسن خدمتهم و لیس وراء ذلك من النصح و الامانة شیء و لكن اختیرهم بما ولوا للصالحین قبلک فاعمد لاحسنهم کان فی العامة انراً و اعرفهم بالامانه و جها فان ذلك دلیل علی نصیحتك لله و لمن ولیت امره»

- ملاک انتخاب این افراد (که اسرار کشور را در دست دارند) تیزبینی

و فراست و اطمینان و خوش بینی خود قرار داده که افراد با تظاهر و تملق گوئی و خوش خدمتی خود را در معرض اطمینان و خوش بینی رهبران قرار می دهند در حالی که به هیچ وجه خیر خواهی و امانت در کار آنان نیست. بلکه ملاک گزینش را آزمایش آنان در سوابق کاری آنها که برای افراد صالح و شایسته کاری انجام داده اند قرار بدهد، پس انتخاب کن آن را که در میان عامه مردم نیکو نام تر و به امانت و راستی معروفتر است که آن دلیل خیر خواهی تو برای خدا و کسانی است که تحت سر پرستی تو هستند (یا کسی که کار به دست تو سپرده است).

### شیوع بدبینی در جامعه

از سوی دیگر شیوع بدبینی و بدگمانی در جامعه بسیار خطرناک است: اعتماد به یکدیگر از میان می رود، دشمنی و کینه توزی جایگزین برادری و مساوات می گردد و اگر این حالت در عامه مردم نسبت به رهبران باشد اطاعت از قانون و مقررات نمی کنند و هرج و مرج در جامعه حکمفرما می شود. و اگر در قضات و مسئولین انتظامی نسبت به عامه مردم باشد امنیت قضائی از میان می رود و هر بیگناهی به کمترین سوءظن مورد مجازات قرار می گیرد. و خلاصه صفت بدبینی و بدگمانی در هر موردی که رابطه ای از روابط اجتماعی برقرار است مشکلاتی بیار می آورد. در فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی نسبت به زیردستان و در زیردستان نسبت به فرماندهان، در مدیران و رؤسای ادارات نسبت به کارمندان و در کارمندان نسبت به مدیران، در مصرف کنندگان نسبت به تولید کنندگان و بالعکس و در هر مورد دیگر.

بنابر این باید اعتدال و میانه روی را در این مسئله کاملاً مراعات نمود و آنجا که مورد حسن ظن است کار دیگران را حمل بر صحت و آنجا که باید طبق حدیث «المؤمن کبش» یعنی مؤمن زیرک است، خوش باوری را کنار گذاشت باید به هر سوءظنی ترتیب اثر داده شود و احتیاط مراعات شود.

در احادیث بسیار وارد شده است که باید موارد شک و شبهه که از برادر دینی دیده می شود حمل بر صحت شود مانند این حدیث که از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است:

ضع امر اخیک علی احسنه حتی بأتیک ما یغلبک منه ولا تظنن بکلمة خرجت من اخیک سوءاً وانت تجد لها فی الخیر محملاً<sup>۱</sup>

یعنی آنچه از برادر دینیت صادر می شود از کردار و گفتار بر بهترین احتمال آن توجیه کن بدون آنکه در امر او دقت و تحقیق کنی مگر اینکه چیزی از او صادر شود که قابل توجیه نباشد و شک و احتمال را از دل تو ببرد. و اگر سخنی از برادر دینیت صادر شد که راهی برای

توجیه آن و حمل آن بر صحت می یابی نباید به او بدگمان شوی و سخن او را بر باطل حمل کنی.

### حسن ظن

از ملاحظه این حدیث و مانند آن، با آن سخن که از نهج البلاغه نقل کردیم، این مطلب به دست می آید که در روابط معمولی و کارهای شخصی، انسان باید نسبت به برادر دینی خویش حسن ظن داشته باشد، که بدبینی در این مورد نکوهیده است ولی در مورد استفاده از اشخاص برای مقامهای عالی و حساس کشور باید حداکثر دقت را نمود و کمترین سوء ظن یا احتمال فساد را مورد بررسی قرار داد. و همچنین پس از گماشتن افراد برای مناصب دولتی باید همه کارهای اداری آنها مورد دقت و تحقیق و بازرسی قرار گیرد و این مطلب برای بازرسان بسیار مورد اهمیت است که نباید خوش بین و خوش باور باشند بلکه هر مورد شبهه و شک را بررسی و تحقیق کنند.

امیرالمؤمنین (ع) در همان عهدنامه مالک اشتر در مورد رؤسای ادارات و استاندارها و مانند آنان که از آنها تعبیر به «عمال» شده است می فرماید:

«ثم تفقد اعمالهم و ابعت العیون من اهل الصدق والوفاء علیهم فان تعاهدک فی السر لا مورهم حدوة لهم علی استعمال الامانة و الرفق بالرعية و تحفظ من الاعوان فان احد منهم بسط یده الی خبایة اجتمعت بها علیه عندک اخبار عیونک اکتفیت بذلک شاهداً فیسطت علیه العقوبة فی بدنه واخذته بما اصاب من عملة ثم نصبتہ بمقام المذله و سمتہ بالخیانة و قلدته عاراً لثمة...»

پس از سفارشهای اکید در انتخاب اصلاح می فرماید: سپس اعمال و رفتار آنان را بازرسی کن و بر آنها بازرسان مخفی بفرست از راستگویان و وفاداران که بازرسی مخفیانه توانگیزه ای است برای آنان که امانت را رعایت کنند و با مردم مدارات نمایند و بر حذر باش از یاران خود. پس اگر احدی از آنان دست به خیانتی دراز کرد که بازرشهای مخفی تو بر آن متفق القول گزارش دادند، به آن به عنوان شاهد اکتفا کن و او را مورد عقوبت بدنی قرار بده و آنچه مورد سوء استفاده مالی او قرار گرفته از او بستان او را در مقام خواری و پستی منسوب کن و بر او مهر خیانت بزنی و ننگ نهمت و بی آبرویی را مدال او قرار بده.

و در مورد قضاوت می فرماید:

پس از (دقت زیاد در انتخاب قاضی) نحوه قضاوت او را مورد بازرسی بسیار و مکرر قرار بده.

از این سخنان نتیجه می‌گیریم که مورد حسن ظن کارهای معمولی و روابط اجتماعی است و اما کارهای اداری باید دقیقاً مورد بررسی قرار گیرد، البته نه به آن معنی که اعتماد از میان برود و به هر کاری بدبین باشد بلکه باید همه مسئولین احساس وجود یک بازرسی دقیق در کارهای خود بکنند. گرچه انگیزه مؤمن در خیانت نکردن خوف خدا است ولی آنکس که امانت دار خدا و مردم است نباید به این انگیزه در مورد اشخاص که نفوس یا اموال یا اعراض مردم را در اختیار دارد اکتفا کند بلکه باید همانگونه که در سخن امیرالمؤمنین (ع) بود. انگیزه دیگری نیز ایجاد کند و آن وجود بازرسان مخفی است.

و اما در مورد کارهای معمولی که تصدی آنها جزء حقوق اجتماعی افراد واجد شرایط از احاد ملت است نباید به شک و شبهه ای بسیار ناچیز و بهانه جوئیهای مقدس مآبانه آنها را کنار گذاشت و از خدمت کردن به جامعه محروم کرد، مخصوصاً در مواردی که افراد شاغل را می‌خواهند از کار برکنار کنند خیلی باید دقت شود که اولاً تهمت ثابت و یقینی باشد و ثانیاً تهمتی باشد که شخص را از لیاقت ادامه کار ساقط کند.

چه بسا افراد صالح و واجد شرایط و حتی سابقه‌دار در انقلاب که فقط بجرم شرکت نکردن در نماز جمعه یا دعای کمیل از کار برکنار شده‌اند بلکه در بعضی از موارد، بر اساس برجسبهای ناچسب و تهمت‌های بی اساس و اعمال غرضهای شخصی، افراد خدمتگزار را اخراج کرده‌اند، بلکه در مواردی تهمت‌هایی که باید موجب ارتقاء درجه و دادن نشان و مدال باشد موجب اخراج و تصفیه یا باز خرید شده است. موردی را سراغ دارم که آن شخص به تهمت مخالفت با فلان انجمن باز خرید شده در حالی که افراد آن انجمن که باید اخراج بشوند دارای منصب‌های عالی هستند.

به هر حال در مورد گزینش در کارهای معمولی باید گفت: بدگمانی بیش از حد نقش بسیار و پرانگری را ایفا کرده است.

بدیهی است اگر افراد صالح برکنار شوند جای آنان را افراد نالایق و بلبه قربان گوهر می‌کنند حتماً (به دلیل دریدن گرگ) سجاده و تسبیح برای نماز جمعه در کشوی میزدارند و حتماً در دعای کمیل نیز اشکها می‌ریزند ولی چه اندازه به این جامعه خدمت می‌کنند دیگر نظر نیست. البته نمی‌خواهیم بگوئیم که تدین و علاقه‌مندی افراد به مراسم و محافل مذهبی نباید جزء اولوی آنها باشد، نه! بلکه تا حدودی باید جزء شرایط هم باشد اما باید ابتدا لیاقتها را ملاحظه کرد و ملاک تدین افراد را همانگونه که در سخنان مولی امیرالمؤمنین (ع) بود نباید تظاهر آنان قرار داد. در روایتی از امام صادق (ع) است:

«لا تغتروا بصلا تهم ولا بصیامهم فان الرجل ربما لهج بالصلاة و الصوم حتی لو ترکه استوحش ولكن اخبروهم عند صدق الحدیث و اداء الامانة»<sup>۱</sup>

- فریب نماز و روزه افراد را نخورید که انسان گاهی با نماز و روزه خو می‌گیرد به گونه‌ای که ترک آن برای او وحشت آور است ولی آنها را در راستگویی و امانت‌داری آزمایش کنید.

بشایر این گرچه نماز و روزه شرط اعتماد به افراد است ولی تنها این جهت کافی نیست. بلکه باید ملاحظه کرد که چه اندازه در کار خود امانت‌دار است. کسی که به او کاری واگذار می‌شود امانتی است در نزد او که باید دید در انجام آن مأموریت چه اندازه امین و پابرجا است. و همچنین راستگویی ملاک بسیار مهمی است؛ کسانی که ظاهر آنها غیر از باطنشان است دروغگویند و نباید فریب نماز و روزه آنان را خورد.

در مورد قضات و مسئولین انتظامی باید موارد فرق گذاشت: آنجا که احتمال خطر برای جامعه و حکومت اسلامی و امنیت کشور است به کمترین سوء ظنی همیت داده و تحقیق شود. این جهت گرچه سابقاً خوب مراعات نمی‌شد ولی اکنون بحمدالله با فداکاری برادران انتظامی و هوشیاری قضات دادگاههای انقلاب امنیت عمومی به وضع مطلوبی رسیده است ولی نباید غفلت کرد و دشمن را نباید حقیر و بیچاره شمرد. و اما در مواردی که احتمال یک گناه شخصی است نباید به سوء ظنی اعتنا کرد و باید حمل بر صحت نمود مگر اینکه احتمال جنایت عظیمی باشد. و چه بسا دیده شده که حرمت افراد به وسیله بعضی از مسئولین انتظامی هتک شده است فقط بیخاطر اینکه مثلاً با خانمی صحبت کرده است و او چنین تصور کرده که روابط نامشروع برقرار است! و پس از فضاحت و رسوائی ثابت شده که او همسرش می‌باشد!! و همچنین در مورد گران فروشی یا داشتن جنس قاچاق و امثال آن. در این موارد نباید به بدگمانی خویش اعتنا کرد و حتی نباید تحقیق نمود بلکه باید حمل بر صحت شود مگر اینکه شاهد قطعی در میان باشد.

این بود بعضی از موارد افراط و تفریط در بدگمانی و خوش‌باوری که امیدواریم این چند مورد به عنوان نمونه و هشدار برای همه ما کافی باشد تا با مراعات اعتدال در اینگونه روابط اجتماعی اعتماد به یکدیگر را افزایش دهیم و در عین حال افراد غیر صالح و نالایق را از دسترسی به مقامات بالا ناامید کنیم. ان شاء الله.

۱. اصول کافی ج ۲ ص ۳۶۲.

۲. اصول کافی ج ۲ ص ۱۰۴.